



Mission for Establishment of Human Rights in Iran (MEHR IRAN)

P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274
Tel: (310) 377-4590 ; Fax: (310) 377-3103
E-Mail: mehr@mehr.org ; URL: <http://mehr.org>

متن سخنرانی محمد پروین در یادمان قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷ که در دهم شهریور برابر با اول سپتامبر توسط گروه مهر در لس آنجلس برگزار شد.

خانم لورتا سنچز، دکتر روبن، خانمها، آقایان:

از طرف بنیاد مهر و همه کسانی که برای برگزاری این مراسم کمک کرده اند، از شرکت شما در این کنفرانس تشکر میکنم.

هدف این گرد همائی افشای یکی از مخوف ترین جنایات رژیم اسلامی ایران و طرح این درخواست از جامعه جهانیست که در عوض حمایت از سیستم ظلم و جور، از مردم ما حمایت کنند. شما همگی، با حضورتان در این نشست، به این درخواست پاسخ مثبت داده اید و بخاطر آن از شما تشکر میکنم.

اعدام هزارها زندانی عقیدتی در تابستان ۱۳۶۷ با فتوای خمینی بنیان گزار رژیم اسلامی آغاز شد. در این فتوا آمده است که:

"آنانکه در زندانهای سراسر کشور هستند و در حمایت از منافقین مصر، در حال جنگ با خدا بوده و محکوم به مرگند. دشمنان اسلام را هر چه زودتر اعدام کنید و هر معیاری را که انجام حکم اعدام را تسریع میکند بکار گیرید."

اینگونه بود که موسس رژیم اسلامی ایران، خمینی، یکی از وحشتناکترین جنایات دوران ما را آغاز کرد. بگذارید به بخش دیگری از این فتوا که "کمیتة مرگ" را مخاطب قرار داده اشاره کنم. این نقل قول از کتاب آقای منتظری گرفته شده که برگزیده خمینی برای جانشینی او بود.

"نشان دادن عطفوت به دشمن حاصل کوته بینی است. قاطعیت اسلام در برخورد به دشمنان خدا اصل اساسی و غیر قابل سئوال تفکر اسلامیست. ما امیدواریم که با خشم انقلابی و تنفرتان از دشمنان اسلام، شایسته تائید خداوند باشید."

۱۴ سال پس از این فاجعه، هنوز روشن نیست که چند نفر در خلال قتل عامی که در فاصله ۶ ماه از جولای ۱۹۸۸ تا ژانویه ۱۹۸۹ رخ داد جان باختند. دوسال پس از این واقعه، سازمان عفو بین الملل نام بیش از ۲۰۰۰ زندانی سیاسی را عنوان نمود. آقای منتظری جانشین سابق خمینی در مدارک تکان دهنده ای که اخیرا علنی شده اشاره به این دارد که تا ۳۱ جولای ۱۹۸۸ حدود ۳۸۰۰ زندانی کشته شده بودند. او در همان روز طی نامه ای به خمینی چنین نوشت:

” حداقل دستور دهید که جان زنان و بچه ها حفظ شود و نهایتا اینکه اعدام هزارها زندانی در چند روز انعکاس مثبتی نداشته و خالی از اشتباه نخواهد بود. تعداد زیادی از زندانیان تحت شکنجه و بازجویی کشته شده اند.... در چند زندان جمهوری اسلامی دختران جوان مورد تجاوز به عنف قرار گرفته اند.... در نتیجه شکنجه غیر قانونی، بسیاری از زندانیان کر و فلج و یا دچار امراض عفونی شده اند.”

گروه مهرلیستی شامل ۴۵۳۷ نفر از قربانیان قتل عام سال ۱۳۶۷ را که گروههای سیاسی و حقوق بشر جمع آوری کرده اند، به انگلیسی ترجمه کرده است. این لیست بصورت کتابی در آمده است که شامل گزارشات متعددی در باره این فاجعه و از جمله گزارش سازمان عفو میباشد. ارقام تخمینی تا ۳۰ هزار نفر هم بالا می رود ولی شاید تعداد دقیق تا دوران وحشت رژیم اسلامی در ایران سر نیاید مشخص نشود. اما مگر تعداد اهمیتی دارد؟

آنچه اهمیت دارد اینستکه چرا جامعه جهانی نسبت به این فاجعه و سایر موارد نقض حقوق بشر اینچنین بی تفاوت بوده است؟ اگر چه انبوهی از شواهد و مدارک و از جمله گزارش ۱۹۹۰ سازمان عفو موجود است، شرح این جنایت بندرت در مطبوعات غربی منعکس شده است. چرا اینچنین است؟ آیا حاصل نادانیتست؟ تلاشی تعدمیدست برای پوشش جنایات رژیم اسلامی و یا چه چیزی؟ هر چه هست دنیای خوبی نداریم. سراسر سلطه قدرتست و سود جوئی و انسانیت اگر جایی هم داشته باشد در رده های نزدیک به آخرست.

مردم ایران وحشت رژیم اسلامی را درست از بدو تشکیلش تجربه کرده اند. آنها قادر به این نبوده اند که آنگونه که میخواهند لباس بپوشند، صحبت کنند، بنویسند، رای دهند، دعا کنند، برقصند، عشق بورزند، بخندند و زندگی کنند. و با پرداخت جان خود، صدها و هزارها جان، از احقاق حقوق خود دست برداشته اند. به زندان افتاده اند، شکنجه و اعدام و سنگسار شده اند و دریغ که همه اینها کافی نبود که بانیان این جنایات را دنیا بعنوان تروریست بشناسد. دولت ها و رسانه های غربی با انگیزه ”منفعت” چشم به وضعیت وحشتناک مردم ایران که حقوق اولیه اشان به وحشتناک ترین وضعی سلب میشود بستند. عامل ”منفعت” کشورهای اروپائی را چنان مشتاق ایجاد ارتباط با رژیم اسلامی نمود که با هم به رقابت سختی برخاستند تا شاید سهمی بیشتر از معاملات یک جانبه با رژیمی که در نهایت استیصال میخواهد خود را نجات دهد نصیبشان شود. ایالات متحد که شدیداً توسط موسسات تجاری و بخصوص کمپانیهای نفتی و واسطه گران آنها تحت فشار است، سیاستی دوگانه را با رژیم اسلامی پیش گرفته است.

برای آنکه رژیم اسلامی شرایط چنین کمکی را پیدا کند، و برای آنکه غرب بتواند روا بطش را با یکی از بیرحم ترین رژیم های عالم توجیه کند، هر دو به میزان گسترده ای به قلب واقعیت احتیاج داشتند. در حالیکه نقض

حقوق بشر در ایران رو به افزایش بوده است، کنفرانس های متعددی در ایران و خارج کشور یکی پس از دیگری بر سر مسائلی چون حقوق بشر، جامعه مدنی، گفتگوی بین تمدنها، حقوق زنان و بچه ها و غیره تشکیل شد. رسانه های غربی و مقامات دولتی این نمایشات را ارتقا دادند، در آنها شرکت کردند و چنین استدال کردند که باید "اصلاح طلبان" را در مقابل "تندروها" حمایت کرد، در حالیکه بخوبی میدانستند که اصلاح طلبان واقعی در زندانها هستند. این سیاست خشنود سازی حتی بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر هم ادامه یافت. چند ماه قبل. هنگامیکه ایرانیان معترض به نقض حقوق بشر در خیابانها مورد ضرب و شتم رژیم بودند، به نمایندگان رژیم تروریستی اسلامی ایران این امکان داده شد تا در کنفرانس مخصوصی که سازمان ملل ترتیب داده بود شرکت کنند و به دنیا در مورد گفتگوی بین تمدنها درس بدهند. تعدادی از نمایندگان کنگره امریکا نیز از این جماعت در ضیافت دیگری استقبال کرده و از آنها به گرمی تمجید کردند.

در سفر چند ماه پیش کوفی عنان به تهران، خانواده زندانیان سیاسی که خواستار ملاقات با او و طلب کمک برای عزیزان خود بودند، درست در مقابل چشمان ایشان مورد هجوم عوامل رژیم قرار گرفتند و آنچه که از آقای کوفی عنان شنیدند تمجید از رژیم بود و رد "اتهاماتی" که در مورد تروریست بودن رژیم مطرح شده بود! سیاست سازمان ملل در خشنود سازی دولت وحشت از این محدوده بسیار فراتر میرود. سازمان ملل قرار است در ماه می ۲۰۰۳ با همکاری مدرسه ای دولتی - مذهبی در شهر قم بنام مدرسه شیخ مفید که طلبه نظامی تربیت میکند، کنفرانسی را تحت عنوان "بررسی مبانی تئوریک حقوق بشر" در شهر قم برگزار کند. سازمان ملل در به سخره گرفتن حقوق بشر از این هم فراتر رفته و در نشریه اخیر خود، یک صفحه را به نظرات خاتمی در مورد حقوق بشر اختصاص داده است.

چرا غرب سعی در خشنود سازی رژیم دارد که مسئول قتل عام هزارها زندانی عقیدتیست؟ رژیمی که توسط دادگاه برلین برای کارهای تروریستی محکوم شده است. چرا آنها حتی اعمال تروریستی این رژیم را علیه شهر وندان امریکائی که تاکنون ۸ فقره از آنها در دادگاههای فدرال امریکا مطرح شده نادیده میگیرند؟

البته، پاسخ آنها همان پاسخ ۵ سال پیشست مبنی بر آنکه در حال حاضر رئیس جمهور اصلاح طلبی وجود دارد که توسط مردم انتخاب شده و میخواهد که جامعه را بتدریج تغییر دهد. بعد از ۵ سال و حرفهائی زیبا و هیچ عملی، آنها هنوز هم همان حرف را میزنند. اما واقعیت اینستکه این به اصطلاح اصلاح طلب، خود شریک بسیاری از جنایات رژیم منجمله قتل عام زندانیان سیاسیست. روزنامه "اخبار ایران" در ۱۰ آوریل سال ۲۰۰۰ در مورد فتوای خمینی چنین نوشت:

"این فتوا در زمانی صادر شد که رئیس جمهور خاتمی مدیر بخش ایدئولوژیکی و امور فرهنگی نیروهای مسلح بود. او دستور امام را به قاطع ترین وضعی به جرا در آورد."

روزنامه دیگری بنام رسالت در همان روز نوشت:

"آقای خاتمی که مدیر بخش ایدئولوژیکی و امور فرهنگی نیروهای مسلح بود با شدت هر چه تمامتر از امام حمایت کرد."

آیا ما کلامی از مردیکه معبود رسانه های غربی شده است در مورد این قتل عام شنیده ایم؟ "چرا سنگسار میکنید؟" این نهایت توجه ای بود که مهاجرانی وزیر و یار نزدیک خاتمی دوسال قبل در مورد سنگسار نشان داد. وقتیکه نماینده اتحادیه اروپا و معاون نخست وزیر بلژیک (سحذخدحذج حژحزسچپ) در دیدار اخیرش از ایران از زهر اشجاعی، مشاور خاتمی در امور زنان، در باره سنگسار جويا شد، او از این عمل قرون وسطائی بعنوان مجازاتی عادلانه که پایه های خانواده را محکم نگه میدارد دفاع کرد. خاتمی در آخرین نطقش که بطور وسیعی از طرف رسانه های غربی تبلیغ شد، اینگونه آرزوی خود را برای ایران توضیح میدهد:

"بهترین، مطمئن ترین و قانونی ترین امکانی که برای این مملکت وجود دارد دموکراسی اسلامیست."

چشم برای چشم، سنگسار، قطع اعضای بدن، قتل عام، و شکنجه و زندان، اینها "مطمئن ترین" امکانیست که او برای مردم ما آرزو دارد. به امید آنکه او هرگز به آرزوهای مرگ بار خود نرسد.

سنگسار و سایر جنایاتی که این رژیم مرتکب شده است، اعمال خوسرانه بخشی تند رو در این رژیم نیست. این جنایات قانونی است و نص صریح قانون اساسی و ملحقات آنست. که توسط همه منجمله رئیس جمهور این رژیم آقای خاتمی مورد تأیید است. بعنوان مثال تعداد کسانی که در زمان تصدی خاتمی، کسی که گفتگوی بین تمدنها را موعظه میکند، سنگسار شده اند بالاترین رقم را داشته و او کوچکترین مسئله ای از این بابت نداشته است. این چهره "معتدل" کسی است که مکررا و با افتخار خمینی. طراح خونریزیهای بسیاری را در ایران پیشوا و مرشد خود خوانده است.

از اینروست که ژست های توخالی، کلمات زیبا، و لبخندهای این یا آن به اصطلاح فرد "معتدل" را نباید جدی گرفت. متاسفانه رسانه های اصلی ایالات متحد عمل چندانی در افشای این عدم صداقت ها انجام نداده اند و سکوتی مرگ بار در مورد تروریزم و نقض حقوق بشر رژیم اسلامی داشته اند. آنها خاتمی را بعنوان برگزیده ای دموکراتیک نمایش میدهند و نمیخواهند انتخابات در ایران را با همان معیاری که در مورد انتخابات خودشان بکار میبرند ارزیابی کنند. اگر در غرب فقط مردان کاتولیک مسیحی حق کاندیدا شدن داشت باشند و بعد حتی این مردان هم توسط واتیکان تصفیه شوند، آیا شما این مضحکه را انتخابات میخوانید؟

تلاش مردم ایران برای آزادی و دموکراسی با دو مانع اساسی مواجه است. در درون مرز، مردم ما با رژیمی بیرحم طرفند که هیچ نوع احترامی برای حقوق بشر و انسانیت قائل نیست و در برون مرز، با دولتها و افراد سود جوئی در تقابلند که به عاملان ظلم و ستمی که بر آنها میروند کمک کرده و به آنها مشروعیت می بخشند. سئوالی که مقابل همه ما، ایرانیان، امریکائیهها، و ایرانی-امریکائیهها وجود دارد اینستکه چگونه به مردان و زنان شجاع ایرانی که برای زندگیشان می جنگند کمک کنیم.

خوشبختانه ما همراهانی هم در امریکا یافته ایم که بدفاع از مردم ایران و افشای کسانی که سیاست خشنود سازی رژیم اسلامی را دنبال میکنند برخاسته اند. ما دیگر در نبرد خود تنها نیستیم. بلی، در برون مرز نبردی جریان دارد. نبردی میان آنانکه با رژیم اسلامی اند و در پوشش اصلاحات سعی در پنهان کردن چهره زشتش دارند، و آنانکه مدافع آزادی و دموکراسی و مردم ایرانند و در تلاش آنکه چهره زشت بانی ظلم و ستم به آنان را نشان دهند. در این نبرد اگر چه تاکنون موفقیتی آنچنان نداشته ایم، اما میرویم تا متفقان خوب و مصممی

بیابیم و تحرکی پیدا کنیم. حیطة ایکه زمانی کاملاً در اختیار واسطه گران رژیم اسلامی بود حالا مدعیان تازه ای پیدا کرده است.

اگر آنها گروه های واسطه گری دارند که برای ارتباط غیر مشروط با رژیمی تروریست فعالیت میکنند، ما تشکیلاتی نظیر "مهر" داریم که برای مردم ایران کار میکنند و هر نوع ارتباطی را مشروط به رعایت کامل حقوق بشر در ایران کرده اند. اگر آنها چند عضو کنگره و چند دانشگاهی را گرد آورده اند تا رژیم اسلامی را خشنود سازند، ما اکنون خانم لرتا سنچز (شخصی که جزو حزب نماینده مجلس امریکا، دکتر روبن (دخچ س د د چ خ خ خ ت) تام لنتوس (ژرژ د چ پ ذرت) نماینده مجلس و خانم کترینا سوات (ژرژ حسه چ د خ ز ح ز چ پ) کاندیدای کنگره امریکا و بسیاری دیگر را در کنار خود داریم که مولفه های سیاست خارجی امریکا را در رابطه با ایران تعریف کرده اند.

قطعنامه ۴۳۴ که توسط توسط Howard Berman و Gary Ackerman ,Brad Sherman ,Tom Lantos

ارائه شده است، و قطعنامه ۳۰۶ که توسط سناتور Dorgan ,Collins,Ron Wuden, Sam Brownback ,Boxer , Smith, Conrad ,Grassley تهیه شده تصویر روشنی از ساختار قدرت و سرشت غیر انسانی آن در ایران بدست میدهد و برخوردی انسانی را برای کمک به تلاش مردم ایران برای آزادی و دموکراسی ارائه مینماید. آنها خود را از سیاست دوگانه امریکا که تنها چند "عنصر غیر انتخابی" را هدف قرار میدهد، گوئی که عناصر انتخابی هم وجود دارند، جدا میسازند. قطعنامه ۳۰۶ چنین نتیجه میگیرد که:

۱- "مشروعیت بخشی به رژیم ایران مانع رشد نیروهای دموکراتیک در ایران شده و در خدمت امنیت ملی امریکا نیست؛

۲- ژستهای مثبت ایالات متحد در مورد ایران باید بسوی مردم ایران و نه چهره های سیاسی باشد که بقایشان به حفظ رژیم فعلی وابسته است؛

۳- سیاست ایالات متحد باید بر اساس ایجاد دولتی واقعا دموکراتیک در ایران باشد که آزادی را به مردم بازگرداند، از تروریسم دست بردارد، و با جامعه جهانی در صلح و امنیت زندگی کند."

خواست ایرانیان عاشق آزادی از جامعه جهانی چندان زیاد نیست:

"برای جنگ با ترور رژیم اسلامی، عامل سود جوئی را کنار بگذارید. این رژیم تروریست را کمک نکنید. نمایشات دل بهم زنش را ارتقا ندهید، با آن به معامله ننشینید. بگذارید تلاش مردم به ثمر برسد."

برای تحقق این خواست، "مهر" طالب تشکیل گروه رای دهنده قوی میباشد که در پروسه سیاسی امریکا شرکت کند و به کسانی رای دهد که مخالف نقض حقوق بشر در ایران هستند. با وجود ۵۰۰,۰۰۰ ایرانی در کالیفرنیا و بالغ بر ۲ میلیون نفر در امریکا، حرف بسیاری برای گفتن خواهیم داشت.

و بعنوان آخرین نکته ولی نه کم اهمیت ترین آن، باید بگویم که گروه مهر سالهاست در تلاش آنست که آنانی را که مرتکب جنایت علیه بشریت در ایران شده اند بدست عدالت بسپارد. علیرغم بسیاری موانع موجود در

امریکا، ما موفق شده ایم شکایتهای بسیاری را مدون کنیم و بمحض آنکه جنایتکاران قدم به خاک امریکا بنهند شکایت از آنها در دادگاه مطرح خواهد شد. در این میان مواردی هست که قربانیان شکنجه و اعدام در زمان وقوع جرم شهروند امریکا بوده اند. این امر چنین امکانی را برای ما بوجود آورده که بتوانیم بجای افراد برای کلیت رژیم طرح شکایت کنیم. امیدواریم که اولین شکایت ما علیه رژیم اسلامی ایران در آغاز سال آینده مطرح شود.

بگذارید سخنم را با طرح مجدد این درخواست پایان بخشم که اگر نمیتوانید به مردم ایران کمک کنید، مردم و نه رژیم اسلامی، لطفا کنار بایستید. این رژیم جنایتکار را کمک نکنید. به آن مشروعیت نبخشید. متشکرم.

MEHR IRAN

P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274

Tel: (310) 377-4590 ; Fax: (310) 377-3103

E-Mail: mehr@mehr.org ; URL: <http://mehr.org>